



پزشک خیراندیش و دختران بسیجی محله سپس آباد ابتکار به خرج دادند

داروهای مازاد خانه‌ها، گره‌گشای بیماران نیازمند

نوجوانان پایگاه است که پای ثابت برنامه تفکیک دارو به شمار می‌رود. با اعترافی که رنگ و بوی شیطننت های نوجوانی دارد، می‌گوید: دوستانم، نرگس جهانسوز و سحر مبهوت هم برای تفکیک می‌آیند. راستش را بخواهید، من، هم کار خیری را که انجام می‌دهیم دوست دارم و هم، خوش و بیش کردن هایمان، موقع جدا کردن داروها را، البته از آن هایی نیستیم که وقتی صحبت می‌کنند، دست هایشان از کار کنار می‌کشد. بله، بله، بله، یک ریز صحبت کنیم و بخندیم و در ضمن، داروها را هم تند تند جدا کنیم.

او تا کید می‌کند: انگیزه اول برایم مهم تر است. آن قدر که اگر نرگس و سحر هم نیابند باز هم برای تفکیک داروهای نیازمندان، داوطلب می‌شوم.



می‌آیند. داروها هم به همین بیماران نیازمند داده می‌شود تا نیازی به پرداخت هزینه دارو نداشته باشند.

او ادامه می‌دهد: قسمت مهم کار، تفکیک داروهاست که مرحله نخست آن با کمک پایگاه بسیج فدک انجام می‌شود و بررسی تخصصی تر را خودمان در مرکز خدمات جامع سلامت سپس آباد، انجام می‌دهیم.

● دختران پای کار

چند پلاستیک دارو جمع شده و به دست فاطمه ارضی، فرمانده پایگاه بسیج فدک رسیده است. داروها باید براساس تاریخ های میلادی که رویشان درج شده است، جدا شوند. او از دل های صاف و جسم های فعال دختران بسیجی پایگاه، خبر دارد و می‌داند یک فراخوان، کافی است تا چندین نفر برای تفکیک داروها، داوطلب شوند؛ کسانی مثل ریحانه مبهوت، زینب کریمی، زهرا بی باعث، تهمینه طوسی و فاطمه احمدی. او با لبخند می‌گوید که بررسی تک تک داروها و خواندن تاریخ هایی که با خطوط ظریف و ریز درج شده است، حوصله ای می‌خواهد که فقط از دختران پر نشاط و با انگیزه پایگاه برمی‌آید. سوگند اکبری، یکی از

فرزانه شهامت اهرکس، یک گوشه از کار را به دست گرفته است برای رسیدن به همین لبخند و دعای خیری که بانوی سالخورده و بیمار محله سپس آباد، روی لب های رنگ پریده اش جاری می‌کند. شادی و رضایت او از چند بسته قرص است که هیچ پولی برای خرید آن نداشت. او این داروها را رایگان، دریافت کرده و از دغدغه رفتن به داروخانه و روزدن به صندوق دار به خاطر نداشتن هزینه دارو، خلاص شده است.

پزشک مرکز خدمات جامع سلامت و دختران بسیجی پایگاه فدک محله سپس آباد، از دست اندرکاران طرح جمع آوری داروهای مازاد منازل هستند که در دو ماه اخیر، واسطه خیررسانی به بیماران نیازمند متعددی شده اند.

● ابتکاری از روی دغدغه

ابلاغ و الزامی در کار نیست. کار دل است و راه خود را به ذهن دغدغه مند دکتر سید حسن سید نژاد باز کرده است. او از چند ماه پیش، اطلاع رسانی در تجمع های شبانه بولوار پیروزی و رضا شهر را آغاز کرده است تا هر کس، داروی اضافه ای را در خانه نگهداری می‌کند، به نیت سلامتی همشهری نیازمند خود در آن سوی شهر، اهدا کند. او که از حدود ده سال پیش، مشغول خدمت به سلامت اهالی محله سپس آباد است، می‌گوید: این داروها بعد از تفکیک، فرستاده می‌شود به یکی از خیریه های محله قرقی. این خیریه، با همکاری دانشگاه علوم پزشکی مشهد، هر هفته، میزبان حضور پزشکان عمومی و متخصصی است که رایگان، برای معاینه بیماران

تمرین های دونفره مهدیا پایا و خواهرش، زمینه ساز موفقیت او در کاراته شده است

همگام با خواهر هم مسیر در قهرمانی



● داشتن خواهری که هم سن و سال باشد و هم رشته، در موفقیت تأثیر داشته است؟

خیلی زیاد. من و محیا همه جاباهم تمرین می‌کنیم، حتی وقت هایی که با خانواده برای تفریح می‌رویم پارک یا خارج از شهر، تکنیک های سبک و ادوریو را با هم مرور می‌کنیم. مادر هر دو بخش کومیت و کاتا فعال هستیم؛ اولی مبارزه است و دومی، حرکات نمایشی. خواهرم، مثل من، مدال های مختلفی دارد و خرد ماه، شهرآرامحله با او مصاحبه کرده است.

● تا الان چه افتخاراتی به دست آورده ای؟

شش مدال شهری، استانی و کشوری دارم که مربوط به هر دو بخش کاتا و کومیت است. مثل طلای مسابقات استانی که شهرپور پارسال به دست آوردم و مدال برنز در مسابقات قهرمانی کشور که سال ۱۴۰۳ برگزار شد.

● کدامشان را بیشتر دوست داری؟

مدال نقره ام در مسابقات استانی، بخش کاتا، هنوز هم برایم خیلی شیرین است. چون اولین مسابقاتی بود که شرکت می‌کردم و استرس و هیجان زیادی داشتم. مدال طلای استانی ام در شهرپور پارسال را هم دوست دارم چون حریف های سرسختی داشتم.

● کسی بوده است که با دیدن تمرین های دونفره تو و محیا و شنیدن خبر موفقیت هایتان، به ورزش علاقه مند شود؟

بله، یکی از دخترهای فامیل، الان دارد کاراته کار می‌کند. هم کلاسی ها و بچه های مدرسه امام هادی (ع) در خطیب هم خبر دارند از ورزش کردند. چند نفری گفته اند خوششان آمده است ولی شرایط رفتن به باشگاه را ندارند.

● مگر مسابقه ای در پیش داری که این قدر فشرده تمرین می‌کنی؟

نه، فقط به خاطر علاقه به رشته و مربی ام، خانم فائزه مرادی، حرفه ای کار می‌کنم.

● می‌خواهی با کاراته به چه جایگاهی برسی؟

دوست دارم مربی بشوم، یکی مثل مربی خودم که خیلی مهربان است و با حوصله به ما آموزش می‌دهد. البته موقع تمرینات یک مقدار، سخت گیر می‌شود ولی سخت گیری هایش هم از روی مهربانی است.

● به ادامه تحصیل هم فکر کرده ای؟

بله، چون درس خواندن را هم خیلی دوست دارم و همه نمراتم، امسال که کلاس چهارم را تمام کردم، خیلی خوب بود. فعلا شغلی که انتخاب کردم، معلمی است.



● چطور با کاراته آشنا شدی؟

در بستگان پدرم، یکی دو نفر بودند که کاراته کار می‌کردند. من و خواهرم، محیا که چهار سال از من بزرگ تر است، فیلم حضورشان در مسابقات را دیدیم. با مادر رفتیم باشگاه، رشته های مختلف ورزشی داشت، مثل بوکس، ژیمناستیک و کاراته. انتخاب من و محیا، کاراته بود.

● از آن زمان چقدر می‌گذرد و صاحب چه کمربندی هستی؟

سه سال. الان کمربند بنفش دارم.

● برنامه تمرینت چطور است؟

قیلا روز در میان می‌رفتم باشگاه ولی چند وقتی هست که هر روز می‌روم. ساعت ۱۶ تا ۱۹، فرقی هم نمی‌کنند که هوا گرم باشد یا سرد، درس و مدرسه داشته باشم یا نه. هر جور باشد، سر تمرین هایم حاضر می‌شوم.